

حدیث رنج

(تراژدی تاریخ)

نحریع سبمولیک از تاریخ

— م. ادپویان —

www.ketab.ir

حدیث رنج

موسی رادیوپیان

ویراستار: نفیسه محمدزاده
سر ویراستار و مدیر داخلی: سید خلیل حسینی
طرح جلد: رادیوپیان
چاپ اول، ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۵-۴۶-۲
حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.
۱۲،۵۰۰ تومان

نشر محقق

مشهد، گلپهار، بلوار عدالت، عدالت ۳۸
سرو ۷، پلاک ۲، تلفن: ۰۹۱۵۶۸۶۷۳۵۰
hoseini.seyedkhalil@gmail.com

انتشارات





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
فیبا
تاریخ -- فلسفه -- رئوس مطالب
History -- Philosophy
استکبار
Arrogance*
مستضعفان
The Oppressed*
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

رادیویان ، موسی . ۱۳۳۸ -
حدیث رنج / موسی رادیویان ؛ ویراستار نفیسه محمدزاده .
مشهد : انتشارات محقق ، ۱۳۹۸ .
۵۰ ص . ۱۴۱ / ۵ / ۲۱ × ۵ س . م .
۳ - ۴۶ - ۸۲۷۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ۱۲۵۰۰۰ ریال

۵۷۱۶۰۱۳

به نام داور پاک

من از ابتداء تاریخ می آیم و به نهایت آن می روم. تمام سلسله ها و تازیانه های شاهان را دیده ام. و تمام انقلاب ها و مبارزات را فریاد کشیده ام و شاهد همه ی حوادث تاریخ بوده ام و از تمام پیچ و تاب ها و دهلیزهای تاریخ عبور کرده ام.

در اولین خون تاریخ قربانی شده ام و جویبار تاریخ از خون من رنگین شده است. سپس تازیانه ی بردگی و بهره کشی را چشیده ام و بالا جبار در میادین جنگ و یغماگری، به نفع شاهان و اشرف زادان تنگیده ام. در فلسفه ها و خداینامگان حکیمان و شاهان تحقیر شده ام و همیشه به عنوان رعیت حق نداشته ام از طبقه خودم، پافرا تر بگذارم. دائم با زمین رو، فروخته شده ام. در نظام های کاستی یونان، چین، ایران و روم و اروپا و امریکای امریز در میآت جبرکاران و بیگاران استثمار شده ام. دیوار چین را من ساخته ام، راه ام صبرا من بالا برده ام و دریای همین بناهای باشکوه از شدت فقر و زجر دفن شده ام. پیشگام راه پیامبران بوده ام و در نهضت ها سلاح به دوش کشیده ام.

همیشه جزء رعیت اربابان، شلاق خورده ام. زنجیرها و زندان ها را برای من ساخته اند و دارها را برای من برپا نموده اند. کار مزارع و امور شاق زندگی

مخصوص من است. در عصر ماشین که انسان را تبدیل به ابزار می‌کنند، کارگر شدم و گاهی جاروکشی و طی کشی ادارات و آسمان خراش‌ها را نیز به من می‌دهند. تاوان جشن‌ها و شب‌نشینی‌های بزرگ اربابان من هستم. سرمایه و کارخانه‌های کارتل‌ها و تراست‌ها و شرکت‌های خصوصی برگردی من می‌پر خد و ثروت‌های انبوه سرمایه‌داران و زرمندان از خون من برآمده است. در تمام محرومیت‌ها و غم‌ها و روستاهای خراب و قربانی شدن‌ها و تحقیر شدن‌ها. در اموال جنبش‌ها می‌توانی مرا ببینی، این‌ها "هویت" من است. اینکه به خاطر اهل این همه رنج آمده‌ام و آمده‌ام تا اثبات این همه مظلومیت را فریاد دهم.

* * *

«حدیث رنج» داستان رنج انسان است و یا بهتر بگوییم، تصویر رنج‌های من و توست و رنج‌های هر انسان رنجبری است که در تاریخ زیسته است. آری، "حدیث رنج" بیانی فشرده از تاریخ من و توست انسان است و تقریری سمبلیک از تاریخ. و اشاره‌ای است به جایگاه تاریخی محارمان و مبارزان و نگاهی به مظلومیت انسان در طول تاریخ. و اعتراض گریه‌انگیز است به سلطه‌گری و جنایات زرمندان و زورمداران و تزویرگران. و در عین حال کاوشی است در جست‌وجوی خویشتن، اینکه هویت من و تو چیست؟ و من و تو کیستیم؟ و گاه اشارت‌هایی به گوشه‌هایی از حوادث و سرنوشت و احساس نگارنده است که نگارنده قریب به یک دهه در دوران دانشگاه برسر گذرانده است.

از مدت‌ها پیش طرح چنین مقوله‌ای در اندیشه‌ام بود، تا اینکه اولین بار این نوشتار را در پائیز سال ۱۳۶۳ به‌طور شفاهی در درس فلسفه‌ی تاریخ دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز ارائه نمودم. سپس به تحریر و تدوین و تنظیم آن پرداختم.

موسی رادپویان

www.ketab.ir

مقدمه

زیستن و رسو ده‌ای اجتماعی و انسانی و منظومه‌ی زیست بشری، طرح شدن انسان و طرح تران انسان را با مهندسی خود عملی می‌کنند. حال آنچه در این روند به طرز مؤثر و مثبت و بالنده باشد، دارای مشخصات و مختصات خاصی است. میزان پویایی، حیاتی، یوه، یا یک مقوله معنوی یا علمی و یا یک واقعیت عینی در روند تکاملی بسته به این است که: آن مقوله تا چه اندازه می‌تواند نیروها و استعدادها و نهفته در وجود انسان، جامعه و طبیعت را آزاد کند.

و خود آن در درون خود عمیق و بالنده باشد، یعنی اول جهت‌گیری و محتوای عمیقی داشته باشد، که به غایت و اهداف و نیازهای بیش پاسخ شایسته بدهد. دوم- برخوردار از یک نظام و قالب صحیح و مؤثر باشد، طوری که با حیات و مسیر تکاملی آن پدیده هماهنگ باشد.

- و دیگر جایگاه خویش را در منظومه‌ی هستی دریابد یعنی در قلمرو خویش، استعدادها و نیروهای درونی خود را دریابد و به نیازهای خود پاسخ لازم را بدهد.

- و دیگر از طرفی جایگاه خودش را در جامعه و نظام مجموعه‌ای زیست

بیاید. تا خود را با اجزاء و عناصر مترقی و متعالی جامعه و روند روبه رشد هستی هم آوا کند.

به فرموده‌ی امام صادق (ع): هر چیزی در جای خودش و وقت خودش قرار نگیرد ثمره و نتیجه‌ی لازم را نمی‌دهد.

و جموعاً باید در راستا و برحسب رشد و آرمان‌های متعالی باشد، بیان امام علی (ع) هست که می‌گوید: هر اندیشه‌ای در ارتباط با رشد و زیست متعالی همانند باید دور ریخته شود.

وقتی با این بلاهت‌ها و شبهه‌ها به جهت‌گیری‌های اکثر مورخین و مداحان نگاه می‌کنیم، تا کاشان و ارزشیا بی‌کنیم، آن‌ها را با معیارها هماهنگ نمی‌یابیم و می‌بینیم این ناهماهنگی به هم خود در تحکیم بخشیدن نظامات زورمند و زرمند و بازدارنده، جایگاه خاص داشته و وزنه مؤثری بوده‌اند و در تقسیم‌بندی طبقاتی و دوگانه جامعه نقش بسزایی داشته‌اند.

اکثر استادان بزرگ تاریخ و تاریخ‌نگاران در سده‌ی تاریخ‌نگاری و در برخورد با تاریخ روش باروری نداشته‌اند. یا عملاً با این و بلامان حلقه بگوش زورمندان و ستمگران بوده‌اند، و در تمام تاریخ‌ها و در سیاست‌ها، آداب الملوکها، سیر الملوک‌ها این سمت‌گیری را می‌توانیم ببینیم و می‌توانیم ببینیم که "همواره طنین ضربه‌های جباران با نغمه‌های مداحان و فریاد توجیه‌گران درهم آمیخته و نعره‌ی واحدی شده است. در گوش جماعت که، این است و جز این نیست، تا ناس جبر را گردن نهند و نظام جبار را ذلیلانه پذیرا شوند."^۱

۱ گذشته از استثنائات که گاه تک مضرابی زده‌اند

۲ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ - م. ذاکر - نشر آیت - ص. ۵

از همسویی اینان با اقطاب قدرت و ثروت بود که سمت گیری تاریخ به دو قطبی بودن جامعه صحه می گذاشت. و در همه ی تاریخ رنجبران یک طرف بودند و طرف دیگر صف جلادان، در چهره های گوناگون، با ماهیت یگانه. سخن امروز من، در بیان جهت گیری و نقش تاریخ نگاران و تاریخ نگران و صاعیان هر دو اندیشه، و ذکر "پیوستگی" آن ها با عناصر و بازیگران دیگر تاریخ است. همین طور تصویر چهرگان گوناگون تاریخ، و بیان حدیث رنج طبقه خودم. ترسیم سرنوشت تاریخی طبقه ی خودم است. و بیان سرنوشتی که از فراز و نشیب تاریخ، از لایه لای کتاب ها و کلاس ها و راهبری های استادانم، من و هم مدرسان من، در بارش شدیم. و می خواهم بازگو کنم که من و هم قطاران من، با این همه افت و خیز و پیچ و تاب ها اکنون کجا هستیم؟ و در کجا ایستاده ایم؟